

بعد هم کلاهمان را دور می‌گردانیم و پولی به ما می‌دادند که خرج سفرمان می‌شد برای سفر به روستای بعدی. این کار را با چند نفر از بچه‌های فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبا انجام می‌دادیم، بعدها من به مشهد رفتم و چون برادرم گروه تئاتر قدیمی داشت، با آنها این کار را ادامه دادیم. گروه تئاتر خیابانی، سیار یا دوره‌گرد درست کردیم. از مشهد راه می‌افتادیم و روستا به روستا و شهر به شهر در تمام ایران از شمال تا جنوب، نمایش‌هایی اجرا می‌کردیم که مربوط به شعارهای انقلابی آن زمان بود. الان به راحتی می‌شود همین کار را تکرار کرد. من در این موضوع تجربه دارم و از قضا تجربه زیادی هم دارم. آیا این تجربه یک سرمایه ملی نیست؟ چطور می‌شود از این دست تجربه‌ها استفاده کرد؟ هیچ‌کس به آن فکر نمی‌کند. اصلاً در معاونت راهبردی که شما هستی آیا هنرمندان هم هستند؟

● **جلالی‌پور:** بله. کارگروه‌های مسأله‌محور معاونت راهبردی شامل موضوعاتی می‌شود که اهمیت کلان‌راهبردی دارد و می‌تواند به دولت و رئیس‌جمهوری برای انتخاب نقشه راه بهتر کمک کند. ما تلاش کردیم بخش فرهنگ و هنر را قوی‌تر کنیم؛ و علاوه بر کارگروه‌های مربوط درباره همین جشنواره‌های هنری اصلی کشور گزارش‌های راهبردی آماده می‌شود و پیشنهادهای راهبردی برای بهبود حکمرانی و تنظیم‌گری فرهنگ و هنر ارائه شده است. البته ما معتقدیم که اصولاً باید مداخلات مخرب دولت در حوزه هنر کم و رفع بشود.

● **کیانیان:** بله صددرصد.

● **جلالی‌پور:** به تعبیری دولت کمک کند که حتی تنظیم‌گری این حوزه را اصناف فراگیر فرهنگ و هنر به عهده بگیرند و بخشی از سرمایه‌گذاری از منابع عمومی در حوزه هنر هم به تدریج در قالب صندوق‌های واقعاً ملی - نه به تشخیص یک نفر که مسئولیتی به عهده دارد، بلکه با سازوکاری شفاف و فراگیر با مشارکت نمایندگان هنرمندان و متخصصانی که در این حوزه و تشخیص خیر همگانی صلاحیت دارند - به پروژه‌ها و زیرساخت‌های ارزشمند در همه هنرهای تئگانه و نه فقط تئاتر، اختصاص یابد. موافقم که اصولاً مجموعه نهاد‌های حکمرانی ما در استفاده از تجربه انباشته‌ای که خیلی برای آن هزینه شده و شبیه شما جزو سرمایه‌های ملی است، خیلی ضعیف هستند. در کمتر حوزه‌ای حاصل عمر مهم‌ترین سرمایه‌ها و متخصصان ما برای رسیدن به تصمیمات کم‌خطا تر و بهتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک حسن دیگر طرح شما افزایش

سفر هنرمندان در ایران است. یکی از مؤثرترین عواملی که همبستگی و تعلق ملی را افزایش می‌دهد، سفر به روستاها و شهرهای ایران است. من هم زیاد سفر می‌روم و هرچه بیشتر سفر می‌کنم علاوه بر اینکه حس تعلق ملی ام تشدید می‌شود، امیدوارتر هم می‌شوم. ایران با تصویری که در تهران و از طریق رسانه‌ها می‌بینم واقعاً فاصله دارد و هر زمانی که احساس کنم انرژی و امید کم شده، کافی است به هر روستا یا شهر یا پاره‌ای زیبا از طبیعت ایران سفر کنم. گاهی یک روستای ساحلی در جایی دورافتاده خیلی الهام‌بخش‌تر است از آن‌چه در رسانه‌های تهران تصویر می‌شود. بسیاری از هنرمندانی که در سال‌های اخیر - درک می‌کنم و تا حدی حق می‌دهم - حس تعلق ملی و مشارکت‌شان کمتر شده گویی منتظر هستند که بدون مشارکت و نقش‌آفرینی آنها گشایشی رخ دهد تا دلشان گرم شود و بتوانند نقش‌آفرینی کنند. این دست هنرمندان هم به نظرم اگر با چنین طرح‌هایی بیشتر سفر بروند تأثیر آن در خلق هنری‌شان و حتی در فضای عمومی‌ای که می‌سازند (به خاطر اینکه پرمخاطب هستند) مرئی خواهد بود. همین اقتصاد هنر اگر قدری دولت مداخلات مخرب‌اش را کم کند، احتمالاً رونق خوبی می‌گیرد، چون به هر حال جامعه ایران جامعه پرجمعیت و نسبتاً



جلالی‌پور:

آزادی هنری و تکثر هنری بیشتر بازار بهتری هم می‌سازد. الان هر اثر هنری با کیفیتی را نمی‌توان عرضه کرد. تقریباً جز هنرهای تجسمی و گالری‌ها که به نظر می‌رسد به دور از دست‌اندازی دولت و مداخله بازیگران بزرگ با شیب نرمی رشد پیوسته کرده‌اند

پیشنهاد‌های راهبردی برای بهبود حکمرانی و تنظیم‌گری فرهنگ و هنر ارائه شده است. البته ما معتقدیم که اصولاً باید مداخلات مخرب دولت در حوزه هنر کم و رفع بشود

تحصیل‌کرده و هنردوستی است و حتی با همین سطح تولید ناخالص داخلی کافی است هنرمندان بتوانند زبان هنری قدرتمندی برای ابراز عواطف و سخنان بخشی از هموطنان‌شان باشند تا مخاطب کافی هم بیابند.

● **کیانیان:** چطور؟

● **جلالی‌پور:** آزادی هنری و تکثر هنری بیشتر بازار بهتری هم می‌سازد. الان هر اثر هنری با کیفیتی را نمی‌توان عرضه کرد. تقریباً جز هنرهای تجسمی و گالری‌ها که به نظر می‌رسد به دور از دست‌اندازی دولت و مداخله بازیگران بزرگ با شیب نرمی رشد پیوسته کرده‌اند و به همین دلیل هم رشد آن در همین افت‌وخیزهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی متوقف نشده است، در بقیه هنرها، یکسری نهاد و بازیگر رانته تعیین‌کننده شده‌اند. در همین جشنواره فجر امسال که فضا یک گام از سال قبل بازتر بود، رشد صددرصدی فروش بلیت داشتیم، یکسری فیلم‌های توقیفی در سانس ویژه پخش شد، از جمله «پیر پسر» که در همان یک نوبت پخش به اندازه کل جشنواره استقبال و بازخورد داشت، اما باز هم تقریباً مثل سال‌های گذشته دو دسته فیلم داشتیم.

● **کیانیان:** به نظرم بهتر است پرونده تئاتر را ببندیم و سراغ سینما برویم.

● **جلالی‌پور:** خب تئاتر کمتر این طور است، ولی به نظر می‌آید در تئاتر هم در اغلب موارد به هر حال نوعی از اگر نگوئیم رانت، انصال نیاز است تا بتوانید رشد کنید. کف‌افش این است که مجوز نمایش می‌خواهید و هر سالی در اختیار هر کسی قرار نمی‌گیرد.

● **کیانیان:** یک عده باید در تئاتر نمایشنامه را تصویب کنند، بعد یک عده سر اجرا می‌آیند و باید اجرا را تأیید کنند، بعد سالن‌های خصوصی خودشان شورایی دارند که نمایش را تأیید کنند تا در نهایت یک نمایش روی صحنه برود.

● **جلالی‌پور:** اینها همان مداخله‌هایی است که گفتم دست و بال تئاتری‌ها را می‌بندد.

● **کیانیان:** شفاف‌تر بگویید چه چیزی دست و بال تئاتری‌ها را می‌بندد؟

● **جلالی‌پور:** انواع فیلتر، سانسور، دست‌انداز و مداخله.

● **کیانیان:** و چطور می‌شود اینها را برداشت؟

● **جلالی‌پور:** به نظرم بخشی با تغییر مدیران اتفاق می‌افتد؛ مدیری که معتقد است این مداخلات باید کمتر شود، تأثیرگذار است. و بخشی با تغییرات نهادی و قواعد بازی که نیازمند توافق‌سازی است.